

نوآوری‌های مزّی در «تهذیب الکمال»^۱

پرویز رستگار جزی *

عاطفه خاتمی **

چکیده

علم رجال، علم به احوال راویان حدیث به شمار می‌رود که مهم‌ترین هدف آن، آگاهی از ارزش یک راوی و تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح است. تألیف کتاب‌های رجالی از نیمه اول قرن سوم هجری آغاز شد و تا پایان قرن نهم هجری ادامه یافت. عبدالغنی مقدسی نخستین کسی بود که در احوال رجال کتب سته، کتابی مستقل نوشت و مزّی - دانشمند بزرگ قرن هشتم - به تهذیب آن پرداخته و کتاب ارزشمند **تهذیب الکمال** - که مبنای کار دانشمندان بعد از او قرار گرفت و شرح‌های بسیاری بر آن نوشته شد - نتیجه این تهذیب است. مزّی علاوه بر ویرایش و تصحیح خطاهای عبدالغنی، نوآوری‌هایی چون مرتب کردن راویان بر اساس حروف الفبا، قراردادن علائم اختصاری برای هر کتاب و تمییز راویان مشترک را دارد که با توجه به امکانات محدود آن زمان، قابل تحسین است.

کلیدواژه‌ها: عبدالغنی مقدسی، الکمال فی اسماء الرجال، کتب رجالی اهل سنت، علم رجال.

۱. این نگاشته همسو با فعالیت‌های علمی مرکز تخصصی حدیث منتشر می‌شود.

* دانشیار دانشگاه کاشان (p.rastegar@kashanu.ac.ir).

** دانشجوی کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (a.khatami83@gmail.com).

مقدمه: تاریخچه گذرای علم رجال در اهل سنت

علم رجال یکی از شاخه‌های مهم علم حدیث به شمار می‌آید که مهم‌ترین فایده و هدف آن، تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح است. این علم به احوال راویان حدیث، از جهت اتصاف آنها به شرایط پذیرش یا نپذیرفتن اخبارشان می‌پردازد. از جمله موارد مورد بحث در این علم، نام راویان، لقب‌ها، کنیه‌ها، نسبت‌ها، تاریخ ولادت و وفات، مسافرت‌ها، مشایخ و شاگردان، قدرت ضبط و حفظ، صدق و کذب و جرح و تعدیل راویان است.^۱

استفاده از تاریخ در بررسی سند روایات، باعث شناسایی انسان‌های ناشناخته و برطرف شدن پیچیدگی‌های روایات می‌شود.^۲ این علم به علم جرح و تعدیل و دانستن الفاظ جرح و تعدیل و مراتب آن نیازی شدید دارد.^۳

مقدسی در مقدمه کتاب خود درباره اهمیت علم رجال چنین می‌گوید:

شناخت رجال از مهم‌ترین علوم است که در درجه اول توجه باید قرار گیرد و باید آن را حفظ کرد؛ زیرا با حفظ آن دین خدا حفظ می‌شود.

باور به صحیح بودن دو کتاب بخاری و مسلم، در فضای حدیثی اهل سنت، زمینه‌ساز آن بود که به این کتاب‌ها به گونه‌ای ویژه نگاه شود. این در حالی است که در قرن ششم هجری، نظریات مشرقی «کتب سته» در مشرق تا شام و نظریه مغربی «صحاح سته» در مغرب تا مصر ریشه دوانده بود. در همین راستا بود که تألیف کتب رجالی درباره کتب سته شکل گرفت.^۴ از عنوان کتاب مقدسی - یعنی *الکمال فی اسماء رجال الکتب السته* - چنین برمی‌آید که او پیرو نظریه مشرقی «کتب» سته بوده است نه «صحاح سته».

تألیف کتاب‌های رجالی را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد:

دوره اول: شکل‌گیری کتاب‌های رجالی از نیمه اول قرن سوم آغاز شد. این دوره - که از آغاز تا پایان قرن سوم هجری ادامه داشت - مهم‌ترین دوره از علم رجال را تشکیل می‌دهد؛ زیرا اولاً، کتاب‌های مهم حدیثی همچون *مسند امام احمد بن حنبل*، *صحیح بخاری*، *صحیح*

۱. دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۲۴.

۲. آثار شیعیان امامی در تراجم و رجال (در قرن‌های پنجم تا دهم هجری)، ص ۲۶.

۳. «علم رجال»، ص ۲.

۴. پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت، ج ۲، ص ۶۹.

مسلم، سنن ابی داوود، سنن ترمذی، سنن نسایی و سنن ابن ماجه در این دوره تألیف شده‌اند. دانستن احوال راویان متقدمی که در سند احادیث این کتب بودند، شرایط پذیرش روایت از راویان را آسان‌تر می‌کرد. ثانیاً، کتاب‌های این دوره، مصادر اولیه کتاب‌های رجالی در دوره‌های بعد بودند. از مهم‌ترین علمای جرح و تعدیل در این دوره، می‌توان یحیی بن معین (۲۳۳ م)، علی بن مدینی (۲۳۴ م) و احمد بن حنبل (۲۴۱ م) را نام برد.

دوره دوم: از این دوره به بعد کتاب‌های رجالی حالت تخصصی به خود گرفتند؛ بعضی به احوال رجال ضعیف، برخی به ذکر احوال رجال ثقه و برخی به ذکر احوال رجال کتب خاصی پرداختند. این دوره از آغاز قرن چهارم تا پایان قرن نهم هجری ادامه یافت. از مهم‌ترین علمای رجالی این دوره، می‌توان به محمد بن حبان بستی (۳۵۴ م) با کتاب *الثقات*، یوسف بن عبدالرحمن مزّی (۷۴۲ م) با کتاب *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، ذهبی و ابن حجر عسقلانی اشاره کرد.^۱

از جمله مهم‌ترین این کتب، کتاب *الکمال فی اسماء الرجال* تألیف عبدالغنی بن عبد الواحد جماعیلی مقدسی است که کتاب جامع روایی مشتمل بر شرح حال رجال «کتب سته» است. این کتاب دست‌مایه مزّی شد و با تهذیب و تکمیل آن، زمینه شکل‌گیری کتاب گسترده *تهذیب الکمال* را فراهم ساخت. موفقیت مزّی به گونه‌ای بود که عملاً کتاب اصلی به حاشیه رانده شد و کتاب *تهذیب الکمال* به کتاب محوری در رجال کتب سته مبدل گشت.^۲

در این مقاله سعی داریم در ابتدا با معرفی کتاب *الکمال* و نویسنده آن، به بررسی روش و نوآوری‌های مزّی در کتاب *تهذیب الکمال* بپردازیم و با تبیین کلمه «تهذیب»، چگونگی و شیوه تلاش‌های او در گردآوری این کتاب را بررسی کنیم. سهولت در دستیابی و مراجعه به مطالب کتاب برای ارزیابی راویان کتب حدیثی اهل سنت هدف دیگر این مقاله است.

با این حال، شناخت سبک هر کتاب پیش از خواندنش، به جلوگیری از اتلاف وقت محقق، کمکی بزرگ می‌کند. البته بشار عواد معروف - محقق *تهذیب الکمال* - درباره کتاب مزّی و نوآوری‌های آن، نکاتی آورده که افزون بر استفاده از آن نکات، مواردی مغفول مانده در مقدمه کتاب به قلم خود مزّی برای تکمیل کار، نوشته شد که می‌توان به شماره‌گذاری راویان به رنگ سیاه و قرمز، ذکر سند عالی برخی احادیث و آوردن سخنان بزرگان جرح و

۱. دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۴۸ - ۵۱.

۲. پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت، ج ۲، ص ۶۹.

تعدیل درباره راوی اشاره کرد. گفتنی است مزی درباره تمییز مشترکات، کاری بزرگ انجام داده که نه محقق و نه خود وی در مقدمه کتاب، به آن اشاره‌ای نکرده‌اند که در این نوشتار به آن نیز به اختصار اشاره شده است.

حافظ عبدالغنی مقدسی

عبدالغنی بن عبدالواحد بن علی بن سرور بن رافع بن حسن بن جعفر^۱ در سال ۵۴۱ قمری^۲ در جماعیل^۳ از شهرهای نابلس متولد شد.^۴ نسب او جماعیلی سپس دمشقی صالحی و لقبش تقی‌الدین و مقدسی و کنیه‌اش ابومحمد است.^۵ وی که به حافظ عبدالغنی عبدالغنی مقدسی معروف است، در سال ۶۰۰ قمری از دنیا رفت.^۶ او نویسنده کتاب معروف و مهم *الکمال فی أسماء الرجال* است که اختصار و تصحیح بسیاری بر آن نوشته شده و مرجع علمی بزرگان بعد از خود در علم رجال قرار گرفته است.

او در دمشق از ابومکارم بن هلال و ابومعالی بن صابر و دیگران حدیث شنید و آن گاه به بغداد رفت و چهار سال در آن جا ماند. همچنین به شهر اسکندریه مصر، اصفهان، همدان و موصل سفرهایی داشت و از اساتیدی چون حافظ سلفی، ابو محمد بن بزری نحوی، عبدالرزاق بن اسماعیل قرمانی، حافظ ابو العلاء، ابو موسی مدینی، ابوالفضل طوسی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. در شهرهای اصفهان، بغداد، دمشق، دمیاط و اسکندریه حدیث می‌گفت^۷ و سفرهایی نیز به حران و بیت المقدس داشت.^۸ وی در موصل کتاب عقیلی در جرح و تعدیل را شنید.^۹

کسانی چون شیخ موفق‌الدین، حافظ عزالدین محمد، حافظ ضیاء و افراد بسیار دیگری از او حدیث نقل کرده‌اند که آخرین‌شان محمد بن مهلهل جیتی است و دیگران با اجازه احمد بن ابی‌الخیر از او نقل کرده‌اند.^{۱۰}

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۴: الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷؛ طبقات الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. اما زکی منذری و ابن‌النجار در تاریخ خود، سال ولادت او را ۵۴۴ نقل کرده‌اند (نک: ذیل طبقات الحنابلة، ج ۶، ص ۲۰۷).

۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۴: البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۳۸: الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷.

۴. ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۴.

۶. الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷.

۷. الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۵.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۴.

۹. البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۳۹.

۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۶.

گفته‌اند وی برای وقت خود، ارزش زیادی قائل بود و هیچ لحظه از آن را بیهوده تلف نمی‌کرد.^۱ ابن النجار بغدادی می‌گوید:

عبدالغنی بسیار حدیث می‌کرد و تصانیف خوبی در حدیث نوشته است.^۲

او به علم حدیث و علم رجال بیشتر از فقه علاقه داشت؛^۳ در علم حدیث و حفظ آن یگانه زمان خود^۴ و در حدیث، محکم‌کار و در تمام فنون آن، چیره‌دست بود.^۵ قوانین، اصول و علل، درست و نادرست، ناسخ و منسوخ، غریب، فقه و معانی، ضبط نام راویان حدیث و نیز آگاهی از احوال‌شان را می‌دانست.^۶

ضیاءالدین می‌گوید:

هنگامی که از عبدالغنی درباره حدیثی سؤال می‌شد، آن را تبیین می‌کرد و درست و نادرست بودنش را مشخص می‌نمود و اگر درباره شخصی از او می‌پرسیدند، می‌گفت: او فلان بن فلان است و نسبش را ذکر می‌کرد.^۷

از ابن النجار و ضیاء نقل شده است:

او امیرالمؤمنین در حدیث است.^۸

درباره‌اش گفته‌اند: کسی در حفظ حدیث همانند او نیست.^۹ در جست‌وجوی علم، بسی کوشا بود و طلاب را گرمی می‌داشت.^{۱۰} موفق الدین می‌گوید:

عبدالغنی جامع در علم و عمل و رفیق من در طلب علم بود.

بدر بن محمد جزری گفته است:

کریم‌تر از حافظ عبدالغنی ندیدم؛ او فقرا را اطعام می‌کرد...^{۱۱}

۱. تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۷۶؛ ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۷۳.

۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۵؛ البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۳۹.

۴. البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۳۹.

۵. طبقات الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۰؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷.

۶. ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۱۸۵.

۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۸.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۸؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۰۷.

۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۴۹؛ طبقات الحفاظ، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۸۵.

۱۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۴۵.

۱۱. ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۱۸۶.

از جمله تصنیفات بسیار او می توان به این موارد اشاره کرد: *المصباح فی عیون الاحادیث الصحاح* (شامل احادیث صحیحین، همراه سندهای آنها که در ۴۲ جزء نوشته است)، *الامر بالمعروف، فضائل الحج، اعتقاد الشافعی و کتاب الکمال فی معرفة رجال الكتب الستة*.^۱

کتاب الکمال فی اسماء الرجال

همان طور که اشاره شد، نام اصلی کتاب *الکمال فی معرفة رجال الكتب الستة* است؛ ولی به *الکمال فی اسماء الرجال* شهرت یافته است. عبدالغنی کتاب خود را با گزارشی گذرا از زندگانی حضرت محمد ﷺ از کتاب *سیره ابن هشام* شروع کرده، سپس به اهمیت علم رجال و درست و نادرست در حدیث و دیگر علوم مرتبط با علم رجال پرداخته است. وی این کتاب را در جمع رجال کتب سته نوشته است که ترتیب این کتاب ها را در مقدمه کتاب خود این گونه بیان می کند: *صحیح ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح ابو الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری، سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی، جامع ابی عیسی محمد بن عیسی ترمذی، سنن ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب نسایی، سنن ابی عبدالله محمد بن یزید معروف به ابن ماجه قزوینی. او با نام صحابه - در آغاز، با نام ده نفری که بهشت به آنان مژده داده شده است - آغاز کرده؛ اولین آنها را ابوبکر قرار داده و نام باقی راویان را به ترتیب حروف الفبا آورده است. البته نام راویانی را که محمد نام دارند، به بهانه شرافت و جایگاه نام پیامبر، پیش از دیگر نام ها یادآوری کرده، سپس کنیه ها و پس از آن نام زنان راوی و کنیه آنها را آورده است.*

پس از او هر کس کتابی در رجال نوشته، کتاب *الکمال* را پایه کار خود قرار داده و به اختصار نویسی یا تهذیب آن پرداخته است. استفاده آیندگان به مدت طولانی از این کتاب، نشان دهنده اهمیت آن است؛ زیرا هنگامی که متأخران از کتاب متقدمان نقل می کنند، بیان گر اهمیت آن نزد آنهاست.

این کتاب نشان دهنده نمونه برجسته اثر علمی در دوره او و همچنین منعکس کننده شخصیت عبدالغنی و بی طرفی او در فن علم رجال و دقت اوست. مزایای کتاب عبدالغنی می نویسد:

کتاب *الکمال* کتابی نفیس و دارای فواید بسیاری است.

۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۱، ص ۴۴۶-۴۴۸.

ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

آن‌چه که به اهمیت این کتاب می‌افزاید مواردی است که مزی فراموش کرده در کتاب تهذیب خود آنها را بیاورد؛ از جمله بعضی نقل قول‌ها در جرح و تعدیل راویان و همچنین جملاتی از شیوخ و شاگردان راویان.

با این همه، کتاب *الکمال* اشکالاتی دارد که مزی را بر آن داشت به تصحیح و ویرایش آن بپردازد. تلاش مقدسی بر آن بود که اسامی تمام راویان این کتب را تا حد امکان جمع‌آوری کند؛ اما خود او می‌گوید:

به دلیل اختلاف نسخه‌ها نمی‌توان ادعا کرد که شامل نام تمامی راویان باشد و همچنین انسان از خطا دور نیست. آن‌چه در رسم بوده است از دقت نظر و پی‌گیری دریغ نکرده‌ام.

ابوالحجاج مزی

یوسف بن زکی عبدالرحمن بن یوسف بن علی بن عبدالملک بن علی بن ابی الزهر^۱ در شب دهم ربیع الثانی ۶۵۴ قمری در حلب به دنیا آمد^۲ و در روز شنبه دوازدهم صفر ۷۴۲ از دنیا رفت. ^۳ نسبش، کلیبی قضاعی و به مزی، دمشقی، شافعی، حلبی و جمال‌الدین ملقب است. کنیه‌اش، ابوالحجاج و بیشتر به لقبش مزی، معروف است. خانواده^۴ او از قبیله کلب قضاعیه بودند که در بلاد شام زندگی می‌کردند. شاگرد و رفیق او، ذهبی می‌گوید: «مزی در مزه^۵ بزرگ شد.»

از ۱۲ سالگی شروع به تحصیل علم کرد. اولین سماع حدیثی او در بیست سالگی، در سال ۶۷۵ قمری، از شیخ مسند معمر بن زین‌الدین دمشقی بود، در حالی که هیچ‌کدام از اعضای خانواده او از بزرگان و علمای مشهور زمان نبودند.^۶ کتاب‌های بسیاری

۱. در *طبقات الشافعیة* این‌گونه آمده است: یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف بن عبد الملک بن یوسف بن علی بن ابی الزهر (*طبقات الشافعیة*، ج ۱، ص ۱۵۳). همچنین در *العبر آمده* است: یوسف بن زکی عبد الرحمن بن یوسف بن عبد الملک بن یوسف (*العبر فی خبر من غیر*، ج ۱، ص ۳۰۲).

۲. *طبقات الشافعیة*، ج ۱، ص ۱۵۳؛ *طبقات الحفاظ*، ص ۱۰۸.

۳. *طبقات الحفاظ*، ص ۱۰۸.

۴. القرية الكبيرة الغناء الواقعة فی وسط بساتین دمشق جنوب غربیها والظاهر أن الکلبیین كانوا یكونون القسم الاکبر من سكانها منذ العهود الاسلامیة الأولى.

۵. تهذیب الکمال، ج ۱ (مقدمه)، ص ۱۴؛ *طبقات الشافعیة*، ج ۱، ص ۱۵۳؛ *طبقات الحفاظ*، ص ۱۰۸.

۶. تهذیب الکمال، ج ۱ (مقدمه)، ص ۱۴.

از جمله کتب سته، *مسند امام احمد، المعجم الکبیر طبرانی، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، موطأ مالک، السنن الکبیر، دلائل النبوه بیهقی و نوشته های بسیار دیگری را از اساتید خود شنید.*^۱ سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف شام از جمله قدس، حمص، حماة و نیز به شهرهای مصر از جمله قاهره، اسکندریه و بلیس برای شنیدن حدیث داشت.^۲

از جمله اساتید او می توان به ابو العباس بن سلامه، العز الحرائی، ابن الدرجمی، نوای، زوای، کمال عبد الرحیم، قاسم اربلی، اسماعیل بن عسقلانی، ابن صابونی و... اشاره کرد.^۳

ابوالحجاج مزی در فقه، شافعی مذهب، ولی از نظر باورهای کلامی، سلفی^۴ و مجذوب شخصیت ابن تیمیه و دوست و رفیق او در شنیدن حدیث و مباحث علمی بود.^۵ از نظر جایگاه علمی در قرن هشتم، از بزرگ ترین دانشمندان زمان خود، به ویژه در حدیث و علوم مرتبط با آن بود، همچنین کتاب های او *تهذیب الکمال و تحفه الاشراف* از کتاب های مهم آن دوران و دوره های بعد به شمار می روند.^۶ افزون بر حدیث، در دروس عربی به ویژه لغت و تصریف تبحر داشت و سرآمد و استاد زمان خود بود. صلاح الدین صفدی می گوید:

بعد از اثیر الدین در علم عربی کسی را همچون مزی ندیدم، خصوصاً در صرف و لغت.^۷ وی همچنین متولی و رئیس دارالاشرفیه بود^۸ و شخصیتی داشت که موافق و مخالف او را می ستودند.

در علم رجال و حل مشکلات و معضلات علم حدیث و رجال، پرچمدار و پیشتاز بود و هیچ چشمی همانند او را ندیده بود.^۹

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. منظور از گذشتگان، صحابه اند.

۵. همان، ص ۲۱.

۶. همان، ص ۲۴.

۷. همان، ص ۱۸.

۸. *طبقات الشافعیة*، ج ۱، ص ۱۵۳.

۹. *تذکره الحفاظ*، ج ۴، ص ۱۴۹۸ - ۱۴۹۹.

از او با ویژگی‌هایی چون امام،^۱ عالم،^۲ الحبر،^۳ الحافظ الأوحد،^۴ الامام العلامه،^۵ خاتمة الحفظ،^۶ الحافظ الكبير،^۷ عمدة الحفظ،^۸ حافظ زماننا،^۹ حمل کننده پرچم سنت و جماعت،^{۱۰} القائم بأعباء هذه الصناعة،^{۱۱} المتدرع جلاب الطاعه،^{۱۲} محدث شام و مصر،^{۱۳} شيخ المحدثين،^{۱۴} حامل لواء الأثر،^{۱۵} عالم أنواع نعوت الخبر،^{۱۶} ناقد الاسانيد و الالفاظ،^{۱۷} الناقد الحجة^{۱۸} و اعجوبة الزمان^{۱۹} یاد کرده‌اند.

نوآوری‌های مزی

وی برخلاف عبدالغنی که راویان را براساس طبقه آنها - صحابی و تابعی بودن - مرتب کرده بود، تمام راویان را یکسان در نظر گرفته و براساس حروف الفبا مرتب کرده است. او در مقدمه کتاب، دلیل خود را برای این کار این گونه بیان می‌کند:

ممکن است یک صحابی از صحابی دیگر حدیثی نقل کند و کسی که آگاه نیست نام او را در اسامی تابعین جست‌وجو نماید و او را نیابد. گاهی ممکن است یک تابعی حدیثی مرسل از پیامبر نقل کند و کسی که نمی‌داند او صحابی نیست، او را در اسامی صحابی جست‌وجو کند و او را پیدا نکند و به همین ترتیب در مورد دیگر راویان. به همین دلیل ما تمام آنها را در یک شکل واحد جمع کردیم.^{۲۰}

۱. طبقات الحفظ، ص ۱۰۸؛ تذکرة الحفظ، ج ۴، ص ۱۴۹۸.
۲. طبقات الحفظ، ص ۱۰۸؛ تذکرة الحفظ، ج ۴، ص ۱۴۹۸.
۳. طبقات الحفظ، ص ۱۰۸؛ تذکرة الحفظ، ج ۴، ص ۱۴۹۸.
۴. طبقات الحفظ، ص ۱۰۸؛ تذکرة الحفظ، ج ۴، ص ۱۴۹۸.
۵. الوفيات لابن رافع، ص ۳۷.
۶. ثلاث تراجم، ص ۱۲.
۷. الوفيات لابن رافع، ص ۳۷.
۸. همان.
۹. ثلاث تراجم، ص ۱۲؛ طبقات الشافعية الكبرى، ج ۱۰، ص ۱۹۶.
۱۰. طبقات الشافعية الكبرى، ج ۱۰، ص ۱۹۶.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. طبقات الحفظ، ص ۱۰۸؛ ثلاث تراجم، ص ۱۲؛ تذکرة الحفظ، ج ۴، ص ۱۴۹۸.
۱۴. الوفيات لابن رافع، ص ۳۷.
۱۵. ثلاث تراجم، ص ۱۲.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. الوفيات لابن رافع، ص ۳۷.
۱۹. همان.
۲۰. تهذيب الكمال، ج ۱ (مقدمه)، ص ۱۵۴.

مزی راویان را بر اساس ابتدا نام آنها، نام پدر و جدشان مرتب کرده، با این استثنا که در جلد اول، حرف الف را با «احمد» و در جلد بیست و چهار، حرف میم را با اسم «محمد»، به بهانه شرافت و جایگاه نام پیامبر ﷺ آغاز کرده است. البته مشابه این کار را بخاری در قرن پنجم و ششم هجری در کتاب *التاریخ الکبیر* انجام داده، با این تفاوت که او جلد اول را با حرف میم و با نام «محمد» آغاز کرده است. مزی، سپس نام راویان زن را بیان کرده و چهار فصل را که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به کتاب عبدالغنی اضافه کرده است.

مزی اسامی راویانی را که در سلسله سند کتب سته به ترتیب در صحیح ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح ابی الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری، سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی، جامع ابی عیسی محمد بن عیسی ترمذی، سنن ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب نسایی و سنن ابی عبدالله محمد بن یزید معروف به ابن ماجه قزوینی و در کتاب های دیگر این مؤلفان، پنج کتاب بخاری: ۱. *القراءة خلف الامام*؛ ۲. *رفع الیدین فی الصلاة*؛ ۳. *الادب المفرد*؛ ۴. *خلق افعال العباد*؛ ۵. *ما استشهد به فی الصحیح تعلیقات* و از مسلم؛ ۶. *مقدمة كتابه الصحیح* و از ابی داود کتب: ۷. *المراسیل*؛ ۸. *الرد علی اهل القدر*؛ ۹. *الناسخ والمنسوخ*؛ ۱۰. *التفرد* (وهو ما تفرد به أهل الامصار من السنن)؛ ۱۱. *فضائل الانصار*؛ ۱۲. *مسائل الامام احمد* (وهی المسائل التي سئل عنها أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل)؛ ۱۳. *مسند حدیث مالک بن انس* و از ترمذی: ۱۴. *الشمائل* و از نسایی چهار کتاب: ۱۵. *عمل یوم وليلة*؛ ۱۶. *خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*؛ ۱۷. *مسند علی*؛ ۱۸. *مسند حدیث مالک بن انس* و از ابن ماجه قزوینی: ۱۹. *التفسیر یادآوری شده اند، جمع آوری کرده و بدین ترتیب، بیشتر از هزار و هفتصد راوی را به کتاب مقدسی اضافه نموده است.*^۱ از این رو تعداد کل راویان کتاب مزی برابر با ۸۰۴۵ است.

پس از بررسی کامل این کتاب ها، مواردی را که از آنها غفلت شده و یا احوال آنها به طور کامل نیامده است، افزوده و خطاهای عبدالغنی را نیز در نام برخی راویان، تصحیح کرده است. به عنوان نمونه، حرف «یا»، در هر دو کتاب با یزید بن ابان رقاشی شروع شده است. مزی نام دو راوی را پس از او اضافه کرده است که در کتاب مقدسی وجود ندارد: یزید بن ابراهیم تستری و یزید بن اسود. نام راوی اول در کتب شش گانه اهل سنت و راوی دوم در

۱. همان، ص ۱۴۹.

سنن ابی داود، جامع ترمذی و سنن نسایی بوده که نشان دهنده این است که مقدسی فراموش کرده نام آنها را ذکر کند. همچنین از جمله راویان کتاب‌هایی که مزی آنها را افزوده است می‌توان به یزید بن انیس هذلی مدنی اشاره کرد که از راویان کتاب *افعال العباد*، نوشته بخاری است.

مقدسی در شرح زندگی یحیی بن معین آورده است:

یحیی بن معین ابن عون ابن زیاد بن بسطام بن عبدالرحمن و قیل ابن معین بن غیاث بن زیاد بن عون بن بسطام المری مَرَّة غطفان مولا هم قال ابن ابی خیثمه سمعت یحیی یقول أنا مولی للجنید ابن عبد الرحمن المقری ابوزکریا المقری البغدادی امام اهل الحدیث و المشار الیه قال ابوبکر الخطیب کان اماماً ربانیاً عالماً حافظاً ثبتاً متقناً أصله فی الانبار... .

از آن چه مزی بدین گزارش‌ها افزوده است، گزارش دیگری از نام و نسب یحیی^۱ و آوردن «فی زمانه» و «من بین اقارنه»، به عنوان توضیحات کامل‌تر و همچنین گزارشی درباره پدر یحیی را می‌توان یاد کرد:

۶۹۲۶ - ع: یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن بسطام بن عبدالرحمن، وقیل: یحیی بن معین بن غیاث بن زیاد بن عون بن بسطام، وقیل: یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن نهار ابن خیار بن بسطام المری الغطفانی، ابوزکریا البغدادی الحافظ، مولی غطفان، امام اهل الحدیث فی زمانه و المشار الیه من بین اقارنه.
قال ابوبکر بن ابی خیثمه: سمعت یحیی بن معین یقول: أنا مولی للجنید بن عبد الرحمن المری و قال الحافظ ابوبکر الخطیب: کان اماماً ربانیاً، عالماً حافظاً، ثبتاً، متقناً.
وقال أحمد بن عبدالله العجلی: یحیی بن معین من اهل الانبار کان أبوه کاتباً لعبدالله بن مالک.^۲

در نسخه‌های خطی موجود، برای هر راوی شماره‌ای قرار داده که برخی به رنگ قرمز و برخی دیگر به رنگ مشکی آمده است؛ مثلاً در متن فوق، علامت «ع» قبل از اسم یحیی نشان دهنده وجود بیشترین احادیث او در مجموعه کتب سته است. همچنین در پایان زندگی‌نامه هر راوی بیان می‌کند که منظور از این نشانه چیست؛ برای مثال، در پایان شرح حال «د س ق: یحیی بن مقدم» آمده است: «روی له ابو داود، و نسائی، و ابن ماجه» که «د» نشانه اختصاری *سنن ابی داود*، «س»، مربوط به نسایی و «ق» مربوط به

^۱. وقیل: یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن نهار بن خیار بن بسطام.

^۲. همان، ج ۳۱، ص ۵۴۳ - ۵۴۴.

ابن ماجه است.

در آوردن نام مشایخ و شاگردان راویان، ابتدا نام آنها را به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده، مواردی را افزوده و نیز برخی را حذف کرده است. مقابل نام هر کدام، نشانه اختصاری کتابی که نام آنها در آن آمده را یادآوری کرده است؛ به عنوان نمونه، مقدسی مشایخ یحیی بن معین را این گونه ذکر کرده است:

سمع عبدالله بن المبارک و ابن عیینة و هشیماً و وکیعاً و یحیی القطان و حفص بن غیاث، ... معان بن عیسی، اسماعیل بن مجالد، علی بن هاشم، طنافسی، ابا اسامة، عباد بن عباد، محمد بن عبد الانصاری.

مزی در تهذیب الکمال آورده است:

روی عن: إسماعیل بن علیة، و إسماعیل بن عیاش، و إسماعیل بن مجالد بن سعید (خ)، و بهز ابن أسد، و جریر بن عبد الحمید، و حاتم بن إسماعیل (مد)، و حجاج بن محمد الاعور (خ مق د س)، و الحسن بن واقع الرملی، و حسین بن محمد المروزی (د)، و حفص بن غیاث النخعی (د س)، ... و معن بن عیسی. القزاز (کن)، و هشام بن یوسف الصنعانی (۴)، و هشیم بن بشیر، و وکیع بن الجراح (د)، و وهب بن جریر بن حازم (د)، و یحیی بن زکریا ابن ابی زائدة (س)، و یحیی بن سعید الاموی ...^۱

او به جای عبارت «سمع»، از «روی عن» استفاده کرده، نام مشایخ را به ترتیب حروف معجم آورده و از نشانه اختصاری در مقابل نام هر استاد سود جسته است که در ادامه بیان می شوند. نشانه «خ» در مقابل نام اسماعیل بن مجالد بن سعید به این معناست که روایت ابن معین از این استاد خود، در کتاب صحیح بخاری گزارش شده است. همچنین نام اسماعیل بن مجالد را به صورت اسماعیل بن مجالد بن سعید، عیینه به صورت سفیان بن عیینه و وکیع را به صورت وکیع بن جراح کامل کرده، حدود ۱۹ نفر به اساتید یحیی اضافه نموده است؛ از جمله روح بن عبادة، یعقوب بن ابراهیم، اسماعیل بن عیاش و حماد بن خالد.

در جایی دیگر، مقدسی مشایخ یزید بن اوس را این گونه نام برده است: «روی عن ابی موسی الاشعری.» مزی سه نفر را به آن اضافه کرده است:

روی عن: ثابت بن قیس النخعی (س)، وعلقمة بن قیس النخعی، و ابی موسی الاشعری،

۱. همان، ص ۵۴۴ - ۵۴۵.

وأم عبدالله (د س) امرأة أبي موسى الأشعري.^۱

همین روند در ذکر نام راویان بی واسطه و باواسطه هر راوی نیز تکرار شده است:

روی عنه: البخاری، ومسلم، وأبوداود، وإبراهیم بن عبدالله بن الجنید الختلی، وإبراهیم بن یعقوب الجوزجانی (س)...^۲

علامت «س» در مقابل نام ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، نشان می‌دهد روایت او از یحیی بن معین، در کتاب *سنن نسایی* گزارش شده است.

از جمله مهم‌ترین نوآوری‌های مزی، قرار دادن نشانه اختصاری برای هر کتاب است که عبارت‌انداز: علامت گزارش روایات یک راوی در کتب سته: «ع»، «سنن اربعة: «۴»، صحیح بخاری: «خ»، تعلیقات صحیح بخاری: «خت»، القراءة خلف الإمام: «ر»، رفع الیدین فی الصلاة: «ی»، الأدب المفرد: «بخ»، أفعال العباد: «عخ»، صحیح مسلم: «م»، مقدمه صحیح مسلم: «مق»، سنن ابی داود: «د»، التفرّد: «ف»، فضائل الأنصار: «صد»، المسائل التي سئل عنها أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل: «ل»، مسند حدیث مالک بن انس: «كد»، جامع ترمذی: «ت»، الشمائل: «تم»، سنن نسایی: «س»، عمل یوم و لیلّة: «سی»، خصائص امیر المؤمنین علی عليه السلام: «ص»، مسند علی عليه السلام: «عس»، مسند مالک بن انس: «کن»، سنن ابن ماجه قزوینی: «ق»، التفسیر: «فق».^۳

پس از بیان اسامی مشایخ و شاگردان راویان، سخنان بزرگان جرح و تعدیل درباره راوی آمده، این سخنان از کتاب‌های *الجرح والتعدیل* ابی محمد عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، *الکامل* ابی احمد عبدالله بن عدی جرجانی، *تاریخ بغداد* ابوبکر محمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی و *تاریخ دمشق* ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله معروف به ابن عساکر دمشقی گردآوری شده است.^۴

در ادامه به نقل روایاتی که از راوی نقل شده یا او روایت کرده پرداخته است؛ اگر راوی صحابی باشد و روایتی از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نقل کرده باشد، نخست آن روایت ذکر شده، در غیر این صورت اگر روایتی از صحابه داشته باشد، بیان می‌شود و در ادامه اگر راوی از راویان کتب

۱. همان، ج ۳۲، ص ۹۱.

۲. همان، ج ۳۱، ص ۵۴۶.

۳. همان، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

۴. همان، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

سته باشد که صاحبان آن بدون واسطه از او حدیث نقل کرده‌اند، آن روایت ذکر شده است. برای مثال، در ادامه زندگی نامه صحابی، عبدالله بن حبشی الخثعمی، ابتدا حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است:

أخبرنا أبو الحسن ابن البخاری، وأبو الغنائم بن علان، وأحمد بن شیبیان، وزینب بنت مکی، قالوا: أخبرنا حنبل، قال: أخبرنا ابن الحصین، قال: أخبرنا ابن المذهب، قال: أخبرنا القطیعی، قال: حدثنا عبدالله بن أحمد بن حنبل، قال: حدثني أبي، قال: حدثنا حجاج، قال: قال ابن جریج: حدثني عثمان بن أبي سليمان، عن علي الأزدي، عن عبيد بن عمير، عن عبدالله بن حبشي الخثعمي أن النبي صلى الله عليه وسلم سئل أي الأعمال أفضل؟^۱

سند برخی روایات حذف شده و برخی دیگر کامل آورده شده است. مزی دلیل این کار را این‌گونه بیان می‌کند: «سعی بر این بوده است که سند روایات بین حالت خیلی مختصر و خیلی طولانی ذکر شود.» همان‌گونه که در مثال بالا می‌بینیم، سند حدیث به صورت کامل آورده شده است.

در نقل روایات، اگر حدیثی با سند عالی وجود داشته باشد، پس از بیان روایت، سند عالی آن را نیز نقل کرده است؛ برای مثال، در شرح حال قابوس بن ابی المخارق آمده است:

أخبرنا أبو إسحاق ابن الدرجی، قال: أنبأنا أبو جعفر الصیدلانی، وداود بن ماشادة، وعفیفه بنت أحمد، قالوا: أخبرتنا فاطمة بنت عبدالله، قالت: أخبرنا أبو بكر بن ریزة (ح) قال الصیدلانی: وأخبرنا أيضا محمود بن إسماعیل الصیرفی، قال: أخبرنا أبو الحسن بن فاذشاه. قال: أخبرنا أبو القاسم الطبرانی، قال: حدثنا عبيد بن غنام، قال: حدثنا أبو بكر بن أبي شيببة، قال: حدثنا أبو الاحوص، عن سماك بن حرب، عن قابوس بن المخارق، عن لبابة بنت الحارث، قالت: قال الحسن بن علي في حجر النبي صلى الله عليه وسلم، فقالت: أعطني ثوبك والبس ثوبا غيره. فقال: إنما يغسل من بول الانثى، وينضح من بول الغلام. رواه أبو داود عن مسدد، وأبي توبة عن أبي الاحوص، فوقع لنا بدلا عاليا. ورواه ابن ماجه عن أبي بكر بن أبي شيببة، فوافقناه فيه بعلو.^۲

اگر نام یک راوی، شناخته شده نباشد یا در نام او اختلافی باشد، او را در فصل مربوط به کنیه‌ها آورده و در قسمت اسامی راویان اختلاف مربوطه را یادآور شده است. راویانی را که جزء اوهام هستند را مشخص کرده و نام صحیح آنها را آورده است؛ مانند:

۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۰۴.

۲. همان، ج ۲۳، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

ومن الاوهام: ۶۹۰- [وهم] بشر بن سلام: روى له النسائي، هكذا ذكره فيمن اسمه بشر، و إنما هو بشير، وسيأتي في موضعه على الصواب إن شاء الله تعالى.^۱

در تمییز مشترکات، مزى کارى بزرگ انجام داده و همه راویان مشترک را مشخص کرده است؛ مانند:

۱۰۰۶- س: الحارث بن أسد بن معقل الهمداني.^۲

در ادامه نام دو راوی را همراه با عبارت «تمییز» در ابتدای آنها ذکر کرده که در انتها نیز یادآور شده است که من این دو را برای تمییز بین آنها آورده‌ام:

۱۰۰۷- [تمییز] الحارث بن أسد المحاسبي، أبو عبد الله الزاهد البغدادي.^۳

۱۰۰۸- [تمییز]: والحارث بن أسد بن عبد الله قاضي سنجار.^۴

و نیز در جایی دیگر آورده است:

۶۵۱۲- م: هارون بن سعد العجلي، ويقال: المعنى.^۵

۶۵۱۳- [تمییز] هارون بن سعد، وكان صاحب راية علي.^۶

۶۵۱۴- [تمییز] هارون بن سعد، مولى قریش، حجازى.^۷

در انتهای آن نیز یادآور شده است:

ذکرناهما للتمییز بینهم؛

این را برای تمییز بین شان ذکر کردیم.

راویانی را که در نام آنها اختلاف وجود دارد با علامت ستاره مشخص کرده و شرح حال شان را در قسمت کنیه‌ها آورده است؛ مانند:

* - هرمن، ويقال: هرم، أبو خالد الوالى. يأتي في الكنى.

چون به کنیه معروف است و در نام آن اختلاف وجود دارد، در قسمت کنیه‌ها آمده است:

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۶.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۰۷.

۳. همان، ص ۲۰۸.

۴. همان، ص ۲۱۲.

۵. همان، ج ۳، ص ۸۵.

۶. همان، ص ۸۹.

۷. همان.

۷۳۳۷ - د ت ق: أبو خالد الوالی الکوفی، اسمه: هرمز، ویقال: هرم.^۱

مزی چهار فصل به کتاب عبدالغنی افزوده است که عبارت‌اند از:

فصل اول: کسانی که به نام پدر، جد، مادر، عمو و مواردی از این دست شهرت دارند ذکر شده‌اند؛ مانند ابن جریج و ابن سمرة بن جندب.

زندگی‌نامه کسانی که تنها به نسبتی که به آن شهرت دارند، شناخته شده‌اند، در این فصل آمده‌است؛ مانند «۷۷۶۷ - د: ابن أخی صفیة بنت حیة»؛ ولی کسانی مانند «* - ابن جریج، هو: عبدالملک بن عبد العزیز بن جریج» که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، با نام اصلی خود به قسمت اول کتاب ارجاع داده می‌شوند.

فصل دوم: راویانی که به قبیله، شهر، شغل و مانند این موارد شهرت دارند ذکر شده‌اند؛ مانند الانباری، اوزاعی و شافعی. زندگی‌نامه کسانی که فقط نسب آنها در دست است، در همین فصل بیان شده است؛ مانند: «۷۷۷۱ - س: القیسی» و درباره کسانی مانند: «* - الشافعی: محمد بن إدیس الشافعی، و ابن عمه إبراهيم بن محمد الشافعی»، تنها به ذکر نام افرادی که به شافعی مشهورند بسنده کرده، با علامت ستاره مشخص شده و به نام اصلی آنها در بخش اول کتاب ارجاع داده شده است.

فصل سوم: راویانی که به لقب و مانند آن شهرت یافته‌اند؛ مانند: اعرج، اعمش، غندر آمده‌اند.

لقب‌های مشهور در این فصل ذکر شده که تمامی آنها ارجاع داده شده‌اند؛ مانند: «* - الاحمر: اثنان: جعفر الاحمر، وأبو خالد الاحمر» که به دو نفر ارجاع داده شده و نیز: «* - الاحول: جماعة، منهم: عاصم الاحول، وعامر الاحول».^۲

فصل چهارم: این فصل ویژه مبهمات است؛ مانند: فلان عن ابیه، أو عن جده، أو عن أمه و مانند اینها؛ به عنوان مثال:

۷۷۷۳ - یخ د: إبراهيم بن أبی أسید البراد.

عن: جده، عن أبی هريرة: «إیاکم والبغضة وإیاکم والحسد.»

إن لم یکن جده سالم بن عبدالله البراد مولی القرشیین، فلا أدری من هو.^۳

۱. همان، ج ۳۳، ص ۲۷۶.

۲. همان، ج ۳۵، ص ۳۳-۳۴.

۳. همان، ص ۶۴.

وفاداری مزی

ابوالحجاج مزی افزون بر نوآوری‌هایی که ذکر شد، در مواردی روش عبدالغنی را در پیش گرفته و به آنها وفادار بوده است؛ چنان که کتاب خود را با برگزیده‌ای از زندگانی حضرت محمد ﷺ شروع کرده است. همچنین در مرتب کردن نام راویان، از حروف الفبای غیر مشهور ۲۹ حرفی استفاده کرده است. از آن جا که هیچ کلمه‌ای در عربی با الف شروع نمی‌شود، در این جا، الف به صورت «لا» نمایش داده می‌شود. از این رو اگر به دنبال نام راوی‌ای می‌گردید که با الف شروع می‌شود باید اسم او را پس از «واو» و پیش از «یاء» تحت عنوان «باب اللام ألف» جست‌وجو کنید. مقدسی نیز همین‌گونه عمل کرده است، با این تفاوت که در کتاب عبدالغنی، الف پس از حرف «هاء» و پیش از «یاء» آمده است؛ زیرا او واو را پس از نون آورده است. تنها مثال این باب: «۶۷۷۲ - ع: لاحق بن حمید بن سعید» است.^۱

نتیجه‌گیری

کتاب‌های رجالی از نیمه اول قرن سوم هجری شکل گرفتند. جامع‌ترین کتاب رجالی در احوال راویان کتب سته، توسط عبدالغنی مقدسی در ششم هجری نوشته شد. او اولین کسی بود که کتابی مستقل در احوال راویان کتب سته نوشت. این کتاب تا مدت‌ها مبنای کار رجالیون بعد از او قرار گرفت. ابوالحجاج مزی - دانشمند بزرگ قرن هشتم هجری - به تهذیب این کتاب پرداخت.

مزی حدود هزار و هفتصد راوی به کتاب مقدسی افزود و شرح حال بسیاری از راویان را ویرایش کرد و نام راویان، نام مشایخ و شاگردان هر راوی را بر اساس حروف الفبا مرتب نمود و راویان مشترک را مشخص کرد. وی نخستین کسی بود که از نشانه‌های اختصاری و رمزگونه در کتاب خود بهره برد. او از این نشانه‌ها برای هر راوی و مشایخ و شاگردان او، و نیز برای مشخص کردن کتابی که روایتی از او نقل شده، استفاده کرده است. این ابتکارات و نوآوری‌های او با توجه به امکانات محدود آن زمان و نبود رایانه، کاری عظیم، ستودنی و قابل تقدیر است؛ در حالی که هم‌اکنون انجام این کارها نیاز به امکانات فراوان و دقت نظر زیاد دارد.

۱. همان، ج ۳۱، ص ۱۷۶.

کتابنامه

- آثار شیعیان امامی در تراجم و رجال (در قرن های پنجم تا دهم هجری)، محمد حسین میر عبدالمهدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- البداية والنهاية، ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ ق.
- پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت، احمد پاکتچی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
- تذکرة الحفاظ، محمد بن احمد ذهبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۷ ق.
- تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، یوسف بن عبد الرحمن مزّی، تحقیق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرسالہ، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- ثلاث تراجم، محمد بن احمد ذهبی، کویت، دار ابن الاثیر، ۱۹۹۵ م.
- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، محمدرضا جدیدی نژاد، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ذیل طبقات الحنابلة، عبدالرحمن بن احمد بن رجب، ریاض، مکتبة العبيکان، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
- سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، بیروت، مؤسسه الرسالہ، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق.
- طبقات الحفاظ، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ ق.
- طبقات الشافعية، ابوبکر بن احمد ابن قاضی شهیه، بیروت، دارالندوة الجديدة، ۱۴۰۷ ق.
- طبقات الشافعية الكبرى، عبد الوهاب بن تقی الدین سبکی، هجر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- العبر فی خبر من غیر، محمد بن احمد ذهبی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
- «علم رجال»، علی اکبر غفاری، مجله کیهان اندیشه، ش ۱۴، ۱۳۶۶ ش.
- الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، بیروت، النشرات الاسلامیة، ۱۹۶۲ م.
- الوفیات، محمد بن هجرس ابن رافع، بیروت، مؤسسه الرسالہ، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.